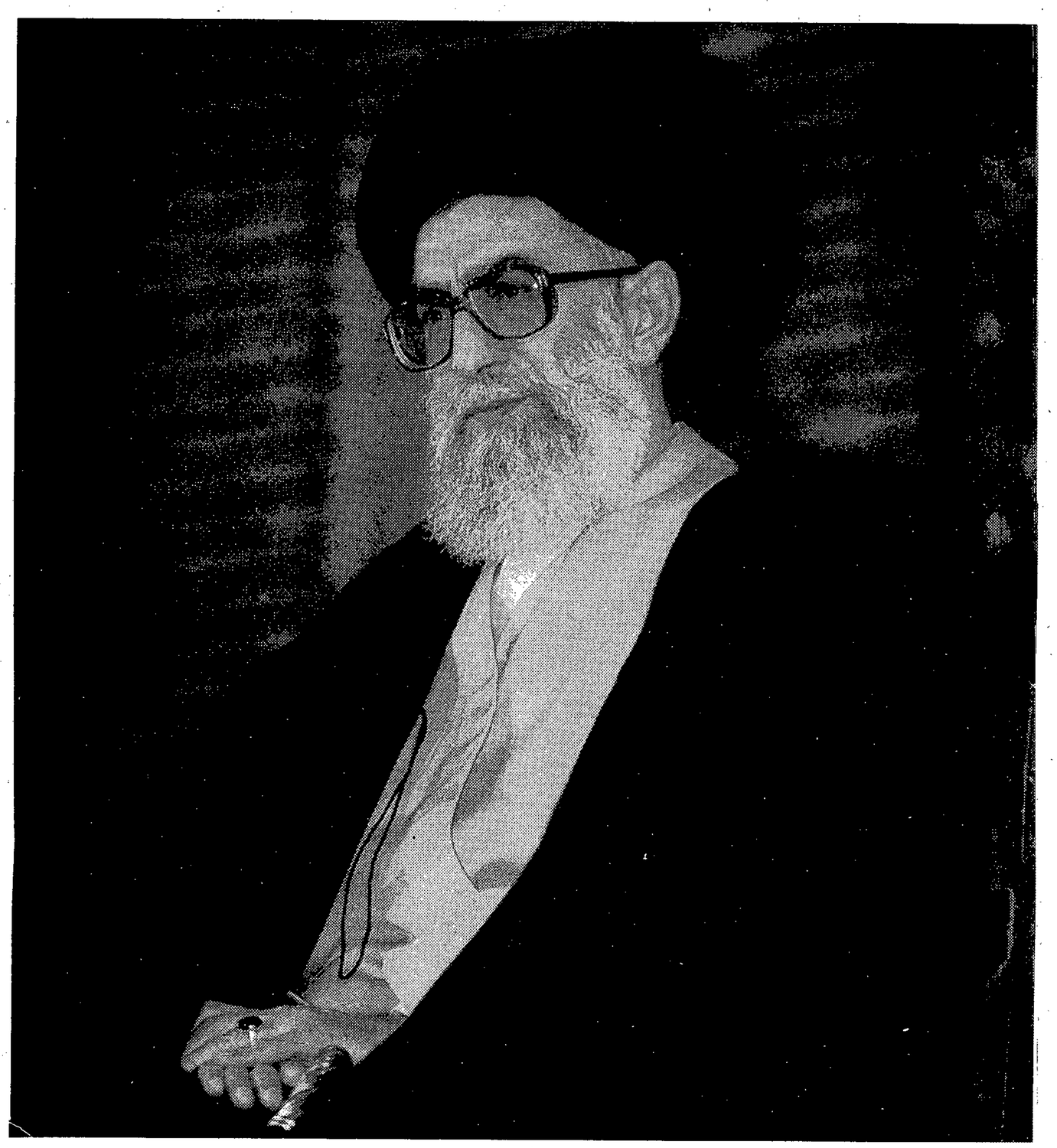

جان و جانان

امام زمان (عج) از نگاه مقام معظم رهبری

● مرتضی نائینی

خورشید فروزان

امروز وجود مقدس حضرت حجّت ـ ارواحنا فداه ـ در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همهٔ خیرات است.

...برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولیّ خدا، امام بر حق، عبد صالح، بندهٔ برگزیده در میان همهٔ بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است.[1]

مهدی موعود (عج)، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرّب به خداوند، توفیق بیشتری می‌یابند؛ زیرا نفس توسّل و توجّه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می‌شود.[۲]

... یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به ارادهٔ الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بقیة الله فی ارضه»؛ به عنوان «حجة الله علی عباده»؛ به عنوان «صاحب زمان» و «ولیّ مطلق الهی در روی زمین» وجود دارد. برکات وجود او، [و] انوار ساطعهٔ از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد... این خورشید معنوی و الهی بازماندهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام است.[۳]

ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ میراثْ برِ همهٔ پیامبران الهی است.[۴]

امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همهٔ خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده، امّا حضور دارد.[۵]

امام زمان (عج) امانت و گوهر درخشندهٔ عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است.[۶]

نقش مهدویت در امید

● امید برخاسته از مهدویت در امید

اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدّس مهدی موعود ـ ارواحنا فداه ـ امید را در دلها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، نا امید نمی‌شود؛ چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی، وجود دارد... سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.[۷]

اعتقاد به قضیهٔ مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینهٔ عظیمی است که ملّت‌ها می‌توانند از آن، بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای طوفانی فرض کنید. اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند؛ که اطراف آنها تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل

حرکت اندکی داشته باشند، کسانی که در این کشتی هستند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصوّر می‌شود که اینها برای آن‌که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند ؟ نه، چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعهٔ کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آن‌که اهل تجاوز به دیگران است، حقّ دیگران را بگیرد تا آن‌که چند ساعتی بیشتر زنده بماند.

طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی آنها، ساحلی وجود دارد. حالا اگر دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن‌جا برسند، معلوم نیست. امّا قطعاً ساحلی که در دسترس آنها است، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ اینها تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل، برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده بشود؛ از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار استفاده خواهند کرد، و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاش‌شان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند .

«امید»، چنین نقشی دارد . همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‌های خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود، انسان تلاش و حرکت کند؛ پیش ببرد؛ مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملّتی در زیر سلطهٔ ظالمانهٔ قدرت مسلّطی، قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملّت مجبور است، تسلیم بشود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی جهتی انجام می‌دهد؛ امّا اگر این ملّت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، اینها چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، او را برطرف خواهند کرد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی طوفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران، قوی دستان و مسلّطین بر امور انسان‌های مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان، مبارزه کند و راه را باز نماید و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا می‌کند. این، نقش اعتقاد به امام زمان ـ صلوات الله علیه و ارواحنا فداه ـ است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود می‌باشد. این عقیده است که شیعه راتا امروز، از آن همه پیچ وخم‌های عجیب وغریبی که در سرراهش قرار داده بودند ، عبور داده است.[۸]

● **مجاهدت**

ایمان و اعتقاد به امام زمان (عج)، مانع از تسلیم شدن است و ملّت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.[۹]

عقیده به امام زمان (عج) نمی‌گذارد مردم تسلیم بشوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند . وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دل‌ها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود.[۱۰]

چند خصوصیّت در این عقیدهٔ «مهدویت» هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، «امید» است. گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرتمند، ملّت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد ؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است ، با چه

کسی در بیفتیم ؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش بکنیم ؟ ما که دیگر نمی‌توانیم![11]

مصلح کل

آرزوی همهٔ بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عُقده‌های فرو خوردهٔ انسان‌ها در طول تاریخ ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید ، تار و پود ظلم و ستم را - که انسان‌های شریر درهمهٔ تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد.[12]

همهٔ ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه گری خواهد کرد.[13]

همهٔ فِرَق اسلامی، معتقدند که مهدی (عج) از نسل طیّب و طاهر پیغمبر، عالم را مملو از عدل و داد و برای اقامهٔ دین خدا و حقّ الهی قیام خواهد کرد.

غیر مسلمان‌ها هم به نحوی، معتقد به یک آیندهٔ مطلوب و درخشانی برای بشریت هستند که با همین مسألهٔ مهدویّت، تطبیق می‌کند.[14]

همهٔ مسلمانان ، حقیقت مهدی موعود را، از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند.[15]

مسألهٔ مهدی موعود، متّفقٌ الیه میان همهٔ مسلمانان است و شیعه و سنّی به وجود منجی و مصلحی با آن خصوصیات معترف‌اند که خواهد آمد و سراسر گیتی را از عدل و داد پر خواهد کرد.[16]

این عقیده که همهٔ مسلمان‌ها هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فِرَق، حرف‌های دیگری دارند؛ امّا اصل این‌که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد دادِ و «**یَملَأُ اللهُ بِهِ الارضَ قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جوراً**» بین مسلمان‌ها متواتر است، همه این را قبول دارند . این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشا است.[17]

شیعه و مهدویّت

فرقی که ما شیعه‌ها، با دیگران و بقیهٔ فِرَق اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم؛ اسمش را می‌دانیم؛ تاریخ ولادتش را می‌دانیم؛ پدر و مادر عزیزش را می‌شناسیم و قضایایش را می‌دانیم؛ ولی دیگران اینها را نمی‌دانند. آنها عقیده پیدا نکردند، یا باخبر نشدند و نمی‌دانند؛ ولی ما می‌دانیم، تفاوت این‌جا است. به همین دلیل است که توسّلات شیعه، زنده‌تر، پر شورتر، با معناتر و با جهت‌تر است.[۱۸]

خصوصیت اعتقاد شیعه در این مسأله، این است که یک موضوع کلّی را با همهٔ خصوصیاتش، با معرّفی کامل شخص می‌شناسد، در ابهام نیست.

ما، ولیّ و سیّد خود را، سرور و سالار عالمیان ـ را که امام ما ـ است می‌شناسیم. پدر، مادر، تاریخ تولّد و قضایای ولادت مبارک او را می‌دانیم. کسانی این قضایا را با خبرهای صادق و موثّق نقل کرده‌اند، همهٔ اینها برای ما روشن است؛ لذا ما می‌دانیم که عشق ما، دل ما و ایمان ما، متوجّه و متعلّق به کیست.[۱۹]

این حقیقت، در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملّت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهرهٔ درخشان و این روح پر تپش و پر امید را ندارد. این به خاطر آن است که ما، به برکت روایات متواترهٔ خودمان، شخص مهدی موعود (عج) را با خصوصیاتش می‌شناسیم.[۲۰]

عید الله الاکبر

روز ولادت مهدی موعود ـ ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ـ حقیقتاً روز عید همهٔ انسان‌های پاک و آزادهٔ عالم است. فقط کسانی در این روز، ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم و یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند؛ و الاّ کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از بر

افراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند![۲۱]

تفاوت عید ولادت «حضرت بقیة الله» با بقیهٔ اعیاد اسلامی این است که اعیاد بزرگ، همه ازگذشته حکایت می‌کنند؛ امّا عید ولادت حضرت بقیةالله به آینده نوید می‌دهد. برای همین است که دل‌های مؤمنان، به این روز بزرگ و این ولادت عظیم، وابسته است.[۲۲]

روز نیمهٔ شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاکباز و صادق و روز نگاه به آیندهٔ روشن و تلاش برای آن است.[۲۳]

روز ولادت حضرت مهدی موعود ـ ارواحنا فداه ـ یک عید حقیقی، برای همهٔ افراد بشر و آن کسانی که ستمی کشیدند؛ رنجی بردند؛ دلی سوزاندند؛ اشکی ریختند و انتظاری کشیدند وکسانی که با مشاهدهٔ ناملایمات، در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم - و حتّی در نقطه‌ای از تاریخ - مصیبتی تحمّل کرده‌اند؛ است. همهٔ آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند.

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلّق به یک ملّت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشریّت است. این «**میثاق اَللّهِ اَلَّذی أَخذَهُ وَ وَکَّدَهُ**» میثاق خدا با انسان است. «**وَعْدَ اَللّهِ اَلَّذی ضَمِنَهُ**» این وعدهٔ خدا است که تحقّق آن را ضمانت کرده است. همهٔ انسان‌های طول تاریخ، نسبت به این پدیدهٔ عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ از اوّل تا امروز و از امروز تا لحظهٔ طلوع آن خورشید جهان تاب ، با ظلم و بدی و پلیدی، آمیخته بوده است.

همهٔ کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خود آنان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه کسانی که به ستم کشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر ، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.

... روز ولادت ، برای همهٔ بشر و تاریخ - حتّی برای گذشتگان - عید است.

کسانی که در دوران تاریک فرعون‌ها، نمرودها، ابوجهل‌ها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند، امروز (نیمهٔ شعبان) برای آنها هم عید است.

اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضّلاتی که پاره‌ای از ارواح برخوردارند، بهره‌مند باشند؛ یقیناً آنها هم مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیهٔ ایّام و اعیاد تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را «**عید الله الاکبر**» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.[۲۴]

عطر حضور

امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همهٔ خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ امّا حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواسّ خویش، حسّ می‌کند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز می‌کنند، دعای «ندبه» را با توجّه می‌خوانند، زیارت «آل یاسین» را زمزمه می‌کنند و می‌نالند؛ می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس می‌کنند، لو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی‌زند. ظهور نکرده است؛ امّا هم در دل‌ها و هم در متن زندگی ملّت حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟

شیعهٔ خوب، کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این ، به انسان امید و نشاط می‌بخشد.[۲۵]

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به ارادهٔ الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بقیّة الله فی ارضه»، به عنوان «حجّة الله علی عباده»، به عنوان «صاحب زمان» و «ولیّ مطلق الٰهی» در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او، انوار ساطعهٔ از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد».[۲۶]

امروز وجود مقدّس حضرت حجّت ـ ارواحنا فداه ـ در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همهٔ خیرات است.

چشم‌های ناقابل و تیرهٔ ما، آن چهرهٔ ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ امّا او مثل خورشیدی درخشان است. با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها و باطن‌ها متّصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولیّ خدا، امام بر حق، عبد صالح، بندهٔ برگزیده، در میان همهٔ بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است. او را می‌بیند و با او مرتبط است.[۲۷]

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعهٔ ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دو جانبه است و در حالات برجستهٔ شور و محبّت و احساس و عواطفی که ملّت ایران، نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است.[۲۸]

امام معصوم و بازماندهٔ عترت پیغمبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام، در طول این زمان های اخیر، در میان جوامع بشری بوده است؛ امروز هم در میان ما است.[۲۹]

ارتباط قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج)، امید و انتظار را به طور دائم در دل آنها زنده نگه می‌دارد و این خود، یکی از پر برکت‌ترین حالات انسانی است.[۳۰]

اهل معنا و باطن، در توسّلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجّه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسّل می‌جویند و توجّه می‌کنند. نفس پیوند قلبی و تذکّر و توجّه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی ، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیلهٔ پیشرفت انسان را ـ روحاً و معناً ـ فراهم می‌کند .

این، یک میدان وسیعی است. هرکسی در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهرهٔ خودش را خواهد برد. البته، توجّه به کانون نور، باید توجّه حقیقی باشد.

لقلقهٔ زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجّه و متوسّل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهرهٔ خودش را خواهد برد. این، یک میدان

فردی و تکامل شخصی و معنوی است.[۳۱]

نزدیک شدن به امام زمان (عج)، نه نزدیک شدن در مکان هست و نه نزدیک شدن به زمان. شما که می‌خواهید به ظهور امام زمان (عج) نزدیک بشوید؛ ظهور امام زمان (عج) یک تاریخ معیّنی ندارد که صد سال دیگر مثلاً یا پنجاه سال دیگر... تا ما بگوییم که ما از این پنجاه سال، یک سال و دو سال و سه سالش را گذراندیم، چهل و شش سال و چهل و هفت سال دیگر باقی مانده [است]. نه؛ از لحاظ مکان هم نیست که ما بگوییم: ما از این‌جا حرکت می‌کنیم به طرف مثلاً شرق یا غرب عالم یا شمال یا جنوب عالم، تا ببینیم که ولی‌عصر(عج) کجا است و به او برسیم، نه.

نزدیک شدن ما به امام زمان (عج) یک نزدیک شدن معنوی است؛ یعنی، شما در هر زمانی تا پنج سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیت جامعهٔ اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان ـ صلوات الله علیه ـ ظهور خواهد کرد.[۳۲]

انتظار

● مفهوم

انتظار «فرج»... یعنی، انتظار حاکمیّت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتّی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. می‌خواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیک‌تر بشوید. این انتظار «فرج» است. انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیّت.

امروز کار انسانیت، در گره‌های سخت، پیچیده و گره خورده است.

...، امروز فرهنگ مادّی، به زور به انسان‌ها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا، تبعیض انسان‌ها را می‌آزارد؛ این گره بزرگی است.

امروز کارِ ذهنیتِ غلط مردم دنیا را به آن‌جا رسانده است که فریاد عدالت‌خواه یک ملّت انقلابی، در میان عربده‌های مستانهٔ قدرت گرایان و قدرتمندان گم می‌شود؛ این یک گره است.

امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین، میلیون‌ها انسان گرسنهٔ آسیا و آسیای دور، میلیون‌ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج می‌برند؛ چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات بخش است و قدرت های بزرگ نمی‌گذارند، ندای این نجات‌بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است.

فرج؛ یعنی، باز شدن این گره‌ها. دید را وسیع کنیم؛ به داخل خانهٔ خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم. در سطح دنیا «انسانیت» فرج می‌طلبد؛ امّا راه «فرج» را نمی‌داند. شما ملّت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیّت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود(عج) و انقلاب نهایی اسلامی بشریّت ـ که سطح عالم را خواهد گرفت و همهٔ این گره‌ها را باز خواهد کرد ـ قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریّت را نزدیک کنید. انتظار «فرج» این است.[۳۳]

«انتظار» ظهور امام زمان (عج)، به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همهٔ انسان‌ها [و] انتظار رفع ظلم از صحنهٔ زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادّی است.[۳۴]

«انتظار» به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد.

گشایش ابواب رحمت و معرفت و سرازیر شدن سرچشمه‌های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی‌ترین نمونه‌های انتظار فرج است.[۳۵]

انتظار ظهور، اشتیاق انسان‌های صالح برای گسترش عدالت است.[۳۶]

انتظار؛ یعنی، دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر؛ ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند (فاصله هست)؛ امّا بلاشک آن دوران وجود دارد.[۳۷]

● **ابعاد**

انتظار فرج و اعتقاد به مهدویّت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز ـ آن دارای جنبه‌های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمّی است و امید ناشی از ایمان و اعتقاد به وجود منجی، همواره سرمایهٔ عظیم حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و شیعی شده است.[۳۸]

قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاینده و مستمر در انجام اعمال نیک و خیر، یک بُعد از انتظار است.

امید به آینده‌ای روشن ـ که در آن سراسر زندگی بشر را تفکّر الهی فرا خواهد گرفت ـ بُعد دیگر انتظار است . ملّت منتظر ایران، با تکیه بر امید به پیشرفت و موفّقیّت، دست به اقدام ، تلاش و انقلاب زد و پیروز شد؛ لذا مردم ما باید روح «انتظار» را به تمام معنا در زندگی خود زنده کنند.[۳۹]

● **آثار**

این عقیدهٔ مبارک برای شیعه - آن وقتی که آن را درست فهمیده باشد و با آن درست رفتار بکند - یک منبع فیض و یک منبع نور است .

علاوه بر اینکه آحاد مردم مسلمان و معتقدان و شیعه، باید در قلب و در عمل خود، سعی کنند که رابطهٔ معنوی و فکری را با آن بزرگوار حفظ بکنند و خود را به صورتی تربیت کنند و بار بیاورند که امام معصوم - که به ارادهٔ الهی و با علم الهی، محیط به همهٔ حرکات ما است - از آنها راضی باشد؛ خود این عقیده نیز آثار و خصوصیاتی دارد که این خصوصیات برای همهٔ ملّتها و برای ملّت مسلمان ما، حیات بخش است و عمدهٔ این خصوصیات و آثار هم، عبارت است از «امید به آینده».

امروز هر فرد شیعه، می‌داند که در یک آینده‌ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دور دست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط

ظلم و بی عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. می‌داند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده‌اند -که هرکسی حرف حقّی بزند و راه حقّی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار می‌گیرد و ارادهٔ فاسد خودشان را بر ملّت‌ها تحمیل می‌کنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردن‌کشان، طاغیان، یاغیان و قدرت‌های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حقّ، تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شیعه - این را می‌داند و به آن یقین دارد.

این خیلی امید بخش است. این موجب می‌شود که هر انسان خیرخواه و مصلح و علاقه‌مند به صلاح ، کار و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با امید به آینده انجام بدهد. ببینید این عقیده چقدر ارزش‌مند، دارای تأثیر و حیات بخش است.[۴۰]

احساسات بسیار خوب است. عواطف پشتوانهٔ بسیاری از اعمال نیکوی انسان‌ها است. ایمان و عقیدهٔ قلبی، به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماری‌ها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است.[۴۱]

مردم ما، ولیّ الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیهٔ اهل بیت پیامبر را، با نام و خصوصیات می‌شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار می‌کنند؛ به او می‌گویند؛ به او شِکوِه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی (دوران حاکمیّت ارزش‌های والای الهی بر زندگی بشر) را انتظار می‌برند. این انتظار دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمهٔ امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطهٔ امید در زندگی جمعیتی نباشد ، چاره‌ای ندارد جز این‌که به آیندهٔ بشریت، بدبین باشد.[۴۲]

قبل از ظهور مهدی موعود (عج)، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفیِ مهدی موعود ـ ارواحنا فداه ـ روز به روز نزدیک تر می‌شود. این، آن امید بزرگ است.[۴۳]

انتظار و امید، به انسان جرأت اقدام و حرکت و نیرو می‌بخشد و شیعیان و پیروان آن حضرت، باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی را جزو وظایف خود بدانند و سرمایهٔ عظیم امید، ایمان و نورانیت را در خود ایجاد کنند تا در حرکت جهانی امام زمان (عج)، در ردیف نزدیکان (خواص)، یاران و همکاران آن حضرت قرار گیرند.[۴۴]

● هشدار

همهٔ عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است... ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم؟ دشمنان سراغ مجموعهٔ احکام و مقرّرات اسلام رفتند. هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آیندهٔ فرد و جماعت و امّت اسلامی، تأثیر مثبت بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند، [و] اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!

خوب، ممکن است شما بگویید که مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن می‌تواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفادهٔ مردم خارج بشود؟ نه، این خطا است. دشمن می‌تواند؛ منتهی نه در کوتاه مدّت؛ بلکه در طول سال های متمادی. گاهی ده‌ها سال زحمت می‌کشند، برای این‌که بتوانند یک نقطهٔ درخشان را کور یا کم رنگ کنند؛ یا نقطهٔ تاریکی را به وجود بیاورند. سال‌های متمادی می‌نشینند و پول خرج می‌کنند! یکی زحمت می‌کشد و تلاش می‌کند؛ ولی توفیق پیدا نمی‌کند، بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این گونه کارها خیلی شده است. روی عقیدهٔ توحید، عقیدهٔ امامت، روی اخلاقیات اسلامی (معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت) کار کرده‌اند!

همهٔ اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمان‌ها، درست به حقیقت اینها توجّه بکنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهندهٔ جامعهٔ اسلامی می‌شود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهن‌ها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرّک، به یک داروی مخدّر و خواب آور تبدیل می‌شود. این گونه است!

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود (عج)؛ یعنی، این‌که در آخرالزّمان از خاندان پیامبرﷺ ، شخصی ظهور می‌کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر می‌کند. تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوء استفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد؛ نیز خیلی کارکرده‌اند .

این عقیده که همهٔ مسلمان‌ها هم به آن معتقدند... از آن عقاید بسیار کارگشا است که به دلیل همین که کارگشا است، دشمن از یک طرف و البته دوستان نادان هم از یک طرف؛ گاهی دوستان نادان از روی نادانی و بر اثر بی‌توجّهی، کاری می‌کنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمی‌تواند ضربه بزند !

حالا بحث ما در مورد دشمنان دانا است؛ سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به ده‌ها سال قبل؛ یعنی، آن اوایلی است که استعمار وارد شمال آفریقا شده بود، چون کشورهای شمال آفریقا؛ خیلی گرایش به اهل بیتعليهم‌السلام دارند.

حالا مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست؛ امّا محبّ اهل بیت‌اند. این کشورهای سودان و مغرب و اینها عقیدهٔ به مهدویّت در آن جاها خیلی پر رنگ است. آن زمانی که استعمار وارد آن مناطق شد -که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از چیزهایی که مزاحم استعمار بود، عقیدهٔ به «مهدویّت» بود !

بنده سندی را دیدم که آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری، توصیه می‌کنند که ما باید کاری بکنیم که این عقیده به «مهدویت» به تدریج از بین مردم زایل بشود! آن روز استعمارگرهای فرانسوی واستعمارگرهای انگلیسی، در بعضی جاهای آن مناطق بودند ـ فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد ـ استعمارگرهای خارجی قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به «مهدویت» در بین این مردم رایج است؛ ما نمی‌توانیم اینها را درست در اختیار بگیریم !

ببینید، عقیده به «مهدویت» چقدر مهم است! چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به اسم تجدّدطلبی، می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه،

بدون اطّلاع، بدون این‌که بدانند دارند چه کار می‌کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند! اینها همان کاری را که دشمن می‌خواهد، راحت انجام می‌دهند!

... چند خصوصیت در این عقیدهٔ مهدویت هست، که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، «امید» است. گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرتمند، ملّت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاشی بکنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم!

این روح ناامیدی است؛ استعمار این را می‌خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملّت عزیز ایران، دچار این حالت بشوند (روح ناامیدی). ای آقا! دیگر نمی‌شود کاری کرد! دیگر فایده‌ای ندارد! می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما ها که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم؛ به عیان می‌بینیم که اغلب این خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند؛ متدیّنین را از گسترش دین مأیوس کنند؛ آزادی‌طلب‌ها و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و مسائل سیاسی را از امکان کار سیاسی یا کار فرهنگی مأیوس کنند. آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه بدهند!

برای چی ؟ برای این که این مجموعه انسانی که دارد با امید کار می‌کند، این جوشش و این امید را از او بگیرند. آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل بکنند، تا بتوانند هرکاری که مایلند انجام بدهند! با یک ملت زنده که نمی‌توانند هرکاری که بخواهند، انجام دهند. یک جسم بیهوش مدهوش بی‌حسی که آن‌جا افتاده است، هرکس هرچه دلش خواست، می‌تواند به او تزریق کند. با او هرکاری می‌تواند بکند؛ اما با یک موجود سرحال زندهٔ باهوش متحرک و فعّال که نمی‌توانند هرکاری را انجام بدهند!

...امروز هر نَفَسی، هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت نا امید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلق به دشمن است؛ چه صاحب این قلم بداند، چه نداند ! دشمن از او استفاده می‌کند.

... البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند؛ سعی می‌کنند آن‌را در ذهن‌های مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند: خب آقا می‌آید، همهٔ کارها را درست می‌کند! این خراب کردن عقیده است. این تبدیل کردن یک داروی مقوّی، به یک داروی مخدر و خواب آور است. خود آقا می‌آید، انجام می‌دهد؛ یعنی چه؟ امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار، بتواند بیاید و در آن زمینهٔ آماده اقدام بکند.[۴۵]

مبنای کار قدرت‌های طاغوتی بر این است که فروغ امید را در دل‌ها بمیرانند و همهٔ امیدها را به یک نقطهٔ مادی؛ یعنی، پول و زخارف کم ارزش دنیا متمرکز کنند که سر رشتهٔ آن نیز در دست خود آنها است.

همه چیز را با حسابهای کمّی و پولی محاسبه می‌کنند و معنویات را از حساب خارج می‌کنند و به ویژه می‌کوشند که آن آیندهٔ موعود را از چشم ملت‌ها دور نگه‌دارند؛ اما ملت‌ها باید امیدوار باشند تا این ارادهٔ تکوینی الهی تحقق پیدا کند.[۴۶]

...اعتقاد به مهدی موعود (عج)، شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعهٔ ایران است. هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار واستکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیدهٔ امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته‌اند.

ما می‌دانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت ـ نه فقط در ایران بلکه در سطح دنیای اسلام ـ انجام داده است؛ تا این چراغ را خاموش کند. در یک گزارش بسیار مهمی که مربوط به سال‌ها قبل است و جدید نیست؛ تلاش گروه‌های تبلیغی مسیحیت را که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می‌شدند تا جادهٔ استعمار را در آن‌جا صاف کنند، نشان داده بود. یکی از غصّه‌های دین داران دنیا، این است که قدرت‌مندان مسلّط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را، وسیله‌ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاده صاف کن استعمار شدند. گروه‌های تبلیغی وبه اصطلاح تبشیری را، به عنوان تبلیغ مسیحیت ـ که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ اما باطن قضیه این بود که راه را بازکنند تا استعمارگران اروپایی ازکشورهای مختلف اروپای آن روز، وارد کشورهای اسلامی بشوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند ـ به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند.

این گزارش، مربوط به گروه‌های تبلیغی در شمال آفریقا است. گزارشگر می‌نویسد :

«یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت وپیشرفت استعمار در شمال آفریقا ومنطقه تونس و مغرب، این است که این مردم اعتقاد دارند که «مهدی موعود» خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد».

گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می‌نویسد وبرای آن هیأتی که مسؤول رسیدگی به این کارهاست، می‌فرستد.

بنابراین ،نفس اعتقاد به مهدی موعود (عج)، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در این‌جا داریم، نیست؛ بلکه بیشتر، ابهامات وکلی گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات. در عین حال، استعماگران از این امید ترسیدند.

در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما وروحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند وبرکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم می‌شود؛ برای من نقل می‌کردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته پهلوی، آن کودتاگر بی سواد فاقد هرگونه معرفت و معنویت، یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید: این قضیه امام زمان چیست که این گونه مشکلاتی برای ما درست کرده است؟ این آخوند هم بر طبق دل و میل او، جوابی می‌گوید و آن قلدر هم مأموریت می‌دهد که بروید، مسأله را حل و تمام کنید واین اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید!! او می‌گوید : این کار آسان نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کم کم وبا مقدمات شروع کنیم. البته آن مقدّمات به فضل پروردگار و با هوشیاری علمای ربانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشهٔ شوم را عملی کنند. درکشور ما، یک کودتاچی غاصب، از طرف دستگاه‌های قدرت استعماری، مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن بدهد و برای آن که بتواند بر این مردم مسلط بشود، یکی از مقدّمات لازمش این بود که عقیده به مهدی موعود (عج) را از ذهن مردم پاک کند.[۴۷]

دشمنانِ تفکر و اعتقاد به مهدویت ـ که این اندیشه را به زیان خود می‌دانند ـ همواره تلاش کرده‌اند تا آن‌را از اذهان مردم بزدایند ویا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطه مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت «مهدویت» حرکت کنیم.[۴۸]

استکبار جهانی و صهیونیزم در تلاش هستند تا ملتهای تحت سیطرهٔ آنان، به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت‌های استکباری خواهان غفلت، خواب آلوده بودن، نداشتن آرمان ونیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند؛ امّا انتظار فرج موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی بهتر وبرتر دست پیدا کند.[۴۹]

اگر فطرت انسانی، تحت فشار قدرت‌های استکباری، مسخ و لگدمال نشود؛ دل‌ها به طور فطری و طبیعی منتظر چنان آینده‌ای (محیطی آکنده از عدل واقعی) است و بدون تردید آن قدرت متّکی بر عدل مطلق الهی، پرچم خواهد برافراشت.

...قدرت جهنّمی استکبار و صهیونیزم، امروز با تکیه بر پول وتبلیغات واستفاده از شعارهای ظاهر فریب (مانند حقوقِ بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملت‌ها) برای تحمیل ظلم بر ملت‌ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق در جوامع بشری تلاش می‌کند و در طول تاریخ، چنین شرایطی وجود نداشته است؛ اما برای تحقق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسان‌های صالح، انگیزه‌های قوی، ایمان‌های راسخ، گام‌های استوار و دل‌های روشن نیز لازم و ضروری‌است.[۵۰]

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده وبا شخص آن بزرگوار ،ستمگران عالم‌اند از روز غیبت آن حضرت ـ بلکه از روز ولادت آن حضرت ـ تا امروز؛ آن کسانی که وجودشان با ستم و با زورگویی همراه بوده، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیدهٔ الهی، با این نور وبا این شمشیر الهی مشغول شدند. امروز هم مستکبرین وستمگران عالم ،با این فکر واین عقیده، مخالف و دشمن‌اند. می‌دانند که این عقیده و این عشق ـ که در دل‌های مسلمین، به خصوص در دل های شیعه است ـ برای هدف‌های ستمگرانه آنها مزاحم است.[۵۱]

میراث برِ همهٔ پیامبران

جامعهٔ «مهدوی»، (یعنی، آن دنیایی که امام زمان (عج) می‌آید تا آن دنیا را بسازد)، همان جامعه‌ای است که همهٔ پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همهٔ پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعهٔ ایده آل انسانی ـ که بالأخره به وسیلهٔ ولی عصر و مهدی موعود (عج) در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد ـ به وجود بیاید . مانند یک بنای مرتفعی که کسی می‌آید، زمین آن را تسطیح می‌کند و خار و خاشاک را از آن می‌کند. کس دیگری پس از او می‌آید و زمین را برای

پایه ریزی، می‌کَند و گود می‌کند. کس دیگری پس از او می‌آید، تا پایه‌ها را شالوده ریزی کند و بلند کند و کس دیگری پس از او می‌آید تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری، مأموران و مسؤولان می‌آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع، به تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود.

انبیای الهی علیهم‌السلام، از آغاز تاریخ بشریت، یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعهٔ آرمانی و آن هدف نهایی، نزدیک کنند. انبیا همه موفق شدند. حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند. باری بود که بر دوش این مأموران عالی مقام، نهاده شده بود. هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سر منزل نزدیک کردند؛ کوشش کردند؛ هرچه توان داشتند، به کار برند. آن وقتی که عمر آنان سر آمد؛ این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن را به مقصد نزدیک تر کرد. ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ میراث بر همهٔ پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعهٔ الهی بر می‌دارد.[۵۲]

آن جامعه‌ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‌ای است که همهٔ پیغمبران الهی برای تهیه مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی، ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیهٔ قرآن که دربارهٔ بعثت پیامبران می‌فرماید: «**لِيَقُومَ ٱلنَّاس بِالقِسط**»؛ یعنی، پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعهٔ بشری استوار بشود ، اشاره به هدف بعثت می‌کند. پس حکومت مهدی (عج) و جامعهٔ مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین می‌کند.[۵۳]

آنچه مسلّم است ، همهٔ پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم، گسترش بدهند؛ پرچم توحید را به اهتزاز در آورند و روح توحید را در زندگی انسان‌ها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است؛ لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ

پیغمبران است. انسان‌های والا در طول تاریخ، در این راه تلاش کرده‌اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همهٔ خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند.

سلسلهٔ انبیا، پاک‌ترین و مقدّس‌ترین، نورانی‌ترین انسان‌های تمام تاریخ بوده‌اند، در میان انسان‌های پاک و انسان‌های والا ـ که دارای روح عرشی و خدایی هستند ـ وجود مقدّس خاتم الانبیاء محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سرآمد همه، و خاندان پاک و اهل بیت مطهّر او ـ که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است ـ در شمار برترین و بالاترین انسان‌های پاک و مطهر و نورانی در همهٔ تاریخ است. زنی مثل فاطمهٔ زهرا علیها السلام در همهٔ تاریخ، کیست؟!

انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریّت، کجا نشان داده می‌شود؟!

سلسلهٔ اهل بیت نبی اکرم علیهم السلام در طول تاریخ، خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریّت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السَّبَبُ ٱلْمُتَّصِلُ بَيْنَ ٱلاَرضِ وَ ٱلسَّماءِ». خاندان پیامبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همهٔ نیکی‌ها و زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند. هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.

... یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به ارادهٔ الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بقیة الله فی ارضه»، به عنوان «حجّة الله علی عباده»، به عنوان «صاحب زمان» و «ولیّ مطلق الهی» در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او، انوار ساطعهٔ از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد.[۵۴]

بشارت «اَلَیسَ ٱلصُّبحُ بِقَریب»

امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوران های تاریخ، دچار ظلم و جور است. از هر پیشرفتی که امروز بشریّت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان ـ ارواحنا فداه ـ این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.

امروز ذهنیّت بشر، آمادهٔ آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریّت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد. همان چیزی که همهٔ پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند. همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیهٔ قرآن، وعدهٔ آن را به مردم داده است: «وَ يَضَعُ عَنهُم اصرهُم و الاغلال اَلَّتي كانَت عَلَيهِم». دست قدرت الهی، به وسیلهٔ یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متّصل به عالم‌های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسان‌های کوته نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست؛ می‌تواند این آرزو را برای بشریّت برآورده کند. لذا دل‌ها، شوق‌ها و عشق‌ها به سمت آن نقطه، متوجّه و روز به روز متوجّه‌تر است.[۵۵]

یاران مهدی (عج)

برای تحقّق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسان‌های صالح، انگیزه‌های قوی، ایمان‌های راسخ، گام‌های استوار و دل‌های روشن نیز لازم و ضروری است.[۵۶]

امام زمان (عج)، کسانی را لازم دارد که در مقابل پدیده‌های تلخ و دشوار، مردّد و متزلزل نشوند و عقب ننشینند تا بتواند با اینها وارد کار عظیمی بشود که قرار است دنیا را متحوّل کند.

... ایشان باید در مقابل همهٔ مشکلات بایستند، یک سیستم قوی لازم است که افراد آن غیر متزلزل باشند. بصیرت نافذ و راسخ داشته باشند که هیچ مشکلی آنان را مردّد نکند و امام عزیز ما این‌گونه بود... امام زمان (عج) افرادی را لازم دارد آگاه، بصیر، خبیر، متوکّل به خدای متعال، توجّه کننده به جزئیات و آن‌گاه فداکار، کاردان در ادارهٔ جامعه و رزمجو با دشمن.

شما هستید که باید خودتان را بسازید تا ان‌شاءالله آن عدّه و نصاب لازم در اختیار ارادهٔ خالصی قرار بگیرد.[۵۷]

تقوا ، تواضع ، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از صفات سربازان امام عصر (عج) می‌باشد.[۵۸]

زمینه‌های ظهور

برای ظهور مهدی موعود ـ ارواحنافداه ـ زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است.[۵۹]

... پس می‌شود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی یک چنین زمینه هایی ـ ان‌شاءالله ـ گسترش پیدا کند، زمینهٔ ظهور حضرت بقیةالله ـ ارواحنا فداه ـ نیز پدید می‌آید و مسألهٔ مهدویت - آن آرزوی دیرین بشر و مسلمین - تحقّق پیدا می‌کند.[۶۰]

شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد، اینها دست خود ما است.

اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد، همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان، آن روز را نزدیک‌تر کردند. آن نسلی که برای انقلاب، آن فداکاری‌ها را کردند؛ با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم.[۶۱]

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ همان طوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما، باز هم می‌تواند نزدیک‌تر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان (عج) نزدیک‌تر کنند.

چطور؟ هرچه شما بتوانید دایرهٔ این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم (مبالغه نمی‌کنیم، اسلام کامل البته نیست؛ امّا بخشی از اسلام را این ملّت توانسته در ایران پیدا کند)، همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مُظلم دیگر، گسترش و اشاعه بدهید؛ همان مقدار

به ظهور ولیّ امر و حجّت عصر (عج)، کمک کردید و نزدیک شدید.[۶۲]

... نزدیک شدن ما به امام زمان(عج) یک نزدیک شدن معنوی است؛ یعنی، شما در هر زمانی تا پنج سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیّت جامعهٔ اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان ـ صلوات الله علیه ـ ظهور خواهد کرد.

اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌تان ـ همان جامعهٔ انقلابی ـ تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعدهٔ ظهور ولی عصر ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ را مستحکم‌تر کردید و هرچه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان و زمان ظهور ولی عصر (عج) نزدیک‌تر شدید.

پس ما می‌توانیم قدم به قدم جامعهٔ خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهورِ ولی عصر ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ نزدیک کنیم.

نکتهٔ دوّم این است که ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت‌ها و روش هایی داریم. این روش‌ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجّه است.

ما یک محصّلی را در نظر می‌گیریم که این محصّل مثلاً می‌خواهد در دانش ریاضی استاد بشود؛ حالا مقدّمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم. باید جهت تعلیماتی که به او می‌دهیم، جهت ریاضی باشد. معنا ندارد که ما یک نفری را که می‌خواهیم ریاضی دان بشود، بیاییم درس فقه ـ مثلاً ـ به او یاد بدهیم. یا آن کسی که می‌خواهد فقیه بشود، بیاییم درس طبیعی ـ مثلاً ـ به او بدهیم. باید مقدمات متناسب با نتیجه و غایت باشد.

غایت، جامعهٔ آرمانی مهدوی است. پس ما هم باید مقدّمات را همان جور فراهم بکنیم. ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم، حرکت قاطع بکنیم. هر گونه ظلمی و از هر کسی. ما ما باید جهت خودمان را، جهت اقامهٔ حدود اسلامی قرار بدهیم. در جامعهٔ خودمان، هیچ مجالی

به گسترش اندیشهٔ غیر اسلامی و ضدّ اسلامی ندهیم. نمی‌گویم با زور؛ نمی‌گویم با قهر و غلبه ـ که می‌دانیم با اندیشه و فکر، جز از راه اندیشه و فکر نمی‌شود مبارزه کرد ـ بلکه می‌گویم از راه‌های درست و منطقی و معقول، باید اندیشهٔ اسلامی گسترش پیدا کند.

باید تمام قوانین ما، مقرّرات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا، اسلامی بشود و به اسلامی شدن روز به روز نزدیک‌تر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر (عج) به ما و به حرکت ما می‌دهد. امام زمان (عج) ـ در دعای «ندبه» می‌خوانید که ـ در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله می‌کند و نفاق و طغیان و عصیان و شقاق و دو دستگی را ریشه کن می‌کند و ازاله می‌کند. ما هم باید در جامعهٔ‌مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان ـ صلوات الله علیه ـ از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعهٔ ما را به جامعهٔ ولی عصر ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ آن جامعهٔ مهدوی علوی توحیدی، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد کرد.[۶۳]

... وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند؛ سعی می‌کنند آن را در ذهن‌های مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند: خب آقا می‌آید، همهٔ کارها را درست می‌کند!

این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور متحرّکی، به یک چوب لای چرخ است. تبدیل کردن یک داروی مقوّی، به یک داروی مخدّر و خواب‌آور است. خود آقا می‌آید، انجام می‌دهد؛ یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینهٔ آماده، اقدام بکند. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ـ ارواحنا فداه ـ باشد که در او آمادگی و قابلیّت باشد؛ و الاّ مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.

چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم، آمدند و نتوانستند دنیا را

از بدی‌ها ، پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود.

چرا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در زمان خودش - با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی ، با آن نیروی اراده ، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصیه‌های پیامبر اکرم علیهم‌السلام دربارهٔ او - در همین مدّت کوتاه، نتوانست ریشهٔ بدی را بخشکاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند: «قُتِلَ فِي مِحرابِ عِبادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدلِهِ». تاوان عدالت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت ! چرا ؟ چون زمینه ، زمینهٔ نا مساعد بود. زمینه را نا مساعد کرده بودند. زمینه را زمینهٔ دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در مقابل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، صف‌آرایی کرده بودند ـ در اواخر حکومت این بزرگوار، یا در اواسط ـ کسانی بودند که زمینه‌های دینی آنها، زمینه‌های مستحکم و مادهٔ غلیظ متناسب دینی نبود .

عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان (عج) در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه هایی از آن را در جامعهٔ خودتان مشاهده می‌کنید. امروز در ایران اسلامی، چیزهایی از درخشندگیهای معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست - تا آن‌جایی که ما خبر و گزارش و اطّلاع داریم، از قضایای دنیا بی خبر هم نیستیم - امروز در کجای دنیا، جوان‌هایی پیدا می‌شوند که روی شهوات نفس و روی مادّی‌گری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه‌ای هست، همه جای دنیا پیدا می‌شود؛ امّا این که عدّهٔ عظیمی از یک نسل، این طور باشند، کجای دنیا هست؟[۶۴]

مهدویت وانقلاب اسلامی ایران

... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملّت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ـ ارواحنا فداه و عجل الله فرجه ـ به وسیلهٔ ملّت ایران برداشته

شده است و آن، ایجاد حاکمیّت قرآن است.[۶۵]

شعارهایی که امام زمان ـ علیه الصلوة والسلام و عجل الله تعالی فرجه ـ بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد؛ امروز شعارهای مردم ما است، شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی، به سوی اهداف امام زمان (عج) است.

یک روزی شعار توحید ، شعار معنویّت ، شعار دین داری ، در دنیا منسوخ شده بود. سعی کرده بودند به طور کلّی، آن را به دست فراموشی بسپارند؛ امّا امروز در این منطقهٔ عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است، شعارهای رسمی ادارهٔ کشور و آحاد ملّت است. علاوهٔ بر این، این شعارها، آرزوی ملّت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است، و این شعارها، یک روز تحقّق پیدا خواهد کرد. این زمینه‌ها وقتی آماده شد ـ آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرت مادّی مستکبران عالم، زمینهٔ این وجود دارد که آحاد بشر، بتوانند بر روی حرف حقّ خود بایستند ـ آن روز، روز ظهور امام زمان (عج) است. آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت، به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او، همهٔ دل‌های مستعد را ـ که در همه جای جهان هستند ـ به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرت‌های ستمگر ، قدرت‌های زورگو ، قدرتهای متّکی به زر و زور، نتوانند حقیقت را - آن‌چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند - با فشار زر و زور خود، به عقب بنشانند یا مکتوم نگه‌دارند.[۶۶]

انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان(عج)، برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود، یک مقدّمهٔ لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر ـ صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امّت! بدانید ـ که بهتر از ما می‌دانید ـ شما موجب پیشرفت حرکت انسانیّت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ

شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید. با این انقلاب که مانع را ـ که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشهٔ دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موذی و آزار دهنده‌ای بود ـ این را کندید و قلع و قمع کردید. خوب، حالا بعد از این چه کنیم؟ بعد از این تکلیف ما روشن است.

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان (عج) نزدیک‌تر کنند.[۶۷]

همهٔ خصوصیاتی که در ظهور مهدی (عج) هست ، در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملّت ایران هم هست. در آن‌جا هم مخاطبِ حضرت بقیة اللّه همهٔ مردم عالم‌اند، یعنی، در آن لحظه‌ای که به خانهٔ کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند، صدا می‌زند: «یا اَهلَ العالَم».

انقلاب اسلامی ما هم از آغاز، اعلام کرد که مخصوص یک ملّت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همهٔ قدرت‌های بزرگ جهان، ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همهٔ قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی (عج) همهٔ حساب‌های مادّی و معمولی را به هم می‌ریزد؛ انقلاب ما هم همهٔ حساب‌ها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما ـ که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است ـ انقلاب حضرت مهدی (عج) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد؛ بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار.[۶۸]

امام زمان (عج)، امانت و گوهر درخشندهٔ عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است.[۶۹]

ایمان و اعتقاد به امام زمان (عج) مانع از تسلیم شدن است و ملّت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند؛ از حضور او امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند. با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.[۷۰]

ملّت منتظر ایران، با تکیه بر امید به پیشرفت و موفّقیّت، دست به اقدام، تلاش و انقلاب زد و پیروز شد؛ لذا مردم ما باید روح انتظار را به تمام معنا، در زندگی خود زنده کنند.[۷۱]

اعتقاد به مهدی موعود (عج)، شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزّت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعهٔ ایران است. هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.[۷۲]

جامعهٔ مهدوی

...دورانی خواهد رسید که قدرت قاهرهٔ حق، همه قلّه‌های فساد وظلم را از بین خواهد برد وچشم انداز زندگی بشر را، با نور عدالت منوّر خواهد کرد.[۷۳]

...دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان (عج) است، که زندگی بشر هم از آن جا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان (عج) است که خدا می‌داند، بشر در آن‌جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد.[۷۴]

انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیت زر و زور و تبلیغات مزوّرانه و خبیثانه رسانه‌های جمعی شرق و غرب، راهی ندارد.

... حکومت الهی حضرت بقیة الله ـ ارواحنافداه ـ حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا ودیگر قدرت‌های زورگوی شرق و غرب

نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین وخدمت به محرومان حرکت می‌کند، باید خوشحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلق به او است.[۷۵]

ظهور حضرت بقیه الله امام زمان (عج) و ایجاد محیطی آکنده از عدل واقعی ـ عدل کامل الهی و اسلامی ـ بالاترین شرایط زندگی مادی ومعنوی انسان است.

اگر فطرت انسانی، تحت فشار قدرت‌های استکباری مسخ و لگدمال نشود؛ دل‌ها به طور فطری و طبیعی، منتظر چنان آینده‌ای است و بدون تردید آن قدرت متکی بر عدل مطلق الهی، پرچم خواهد برافراشت.[۷۶]

حرکت جوامع اسلامی و حرکت همهٔ جوامع بشری، به سوی خیر وصلاح است، به سوی حکومت حق وعدالت است؛ به سوی نابودی خواست‌های استبداد است؛ به سوی روی کار آمدن مستضعفان است که در شکل عادل‌ترینش در دوران ظهور ولی عصر(عج) تأمین می‌شود.[۷۷]

... در حقیقت آن جامعه‌ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‌ای است که همهٔ پیغمبران الهی، برای تهیهٔ مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی، ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه، بتواند به رشد وکمال متناسب خود برسد. اگر این آیهٔ قرآن که درباره بعثت پیامبران می‌فرماید «لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِالقِسطِ»؛ یعنی؛ پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت می‌کند پس حکومت مهدی (عج) و جامعهٔ مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را، به طور کامل تأمین می‌کند.[۷۸]

... ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ میراث برِ همهٔ پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعهٔ الهی بر می‌دارد. مقداری دربارهٔ اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید، همهٔ خصوصیات آن جامعه به دست می‌آید. همین دعای ندبه‌ای که در روزهای جمعه، ان‌شاءالله موفق باشید و بخوانید و می‌خوانید؛ خصوصیات آن جامعه ذکر شده

است. آن‌جایی که می‌گوید: «**اَیـنَ مُـعِزُّ ٱلاَولِـیاءِ وَ مُـذِلُّ ٱلاَعـداء**»؛ مـثلاً آن جـامعه، جامعه‌ای است که اولیای خدا در آن عزیزاند و دشمنان خدا در آن ذلیل و خواراند؛ یعنی، ارزش‌ها و معیارها در آن جامعه، چنین است: «**اَینَ ٱلمُؤمّل لإحـیاء الکـتاب و حدوده**». آن جامعه، جامعه‌ای است که حدود الهی در آن اقامه می‌شود؛ یعنی، همه حد و مرزهایی که خدا معین کرده است واسلام معین کرده است، در جامعهٔ زمانِ امام زمان (عج)، آن حد و مرزها مراعات می‌شود. امام زمان وقتی که ظهور می‌کند، جامعه‌ای می‌سازد که به طور خلاصه، دارای این چند خصوصیت است که من آن را می‌گویم و شما برادران و خواهران عزیز دقت کنید. در آیات و در ادعیه که وارد شده است؛ وقتی می‌خوانید، ذهن خود را در این مورد بازتر و بازتر کنید. فقط خواندن دعای «ندبه» کافی نیست؛ درس گرفتن و فهمیدن آن لازم است.

امام زمان (عج)، جامعه‌اش را بر این چند پایه بنا می‌کند:

اوّل بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛ یعنی، در جامعه‌ای که در زمان ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ ساخته می‌شود، باید ظلم و جور نباشد؛ نه این‌که فقط در ایران نباشد ، یا در جوامع مسلمان نشین نباشد، در همهٔ دنیا نباشد. نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ گونه ستمی در آن جامعه دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی و قلدری از عالم ریشه کن بشود (این خصوصیّت اوّل)

دوّم: خصوصیّت جامعهٔ ایده آلی که امام زمان ـ صلوات الله علیه ـ آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشهٔ انسان است؛ هم اندیشهٔ علمی انسان و هم اندیشهٔ اسلامی انسان؛ یعنی، در دوران ولی عصر (عج) شما باید نشانی از جهل و بی سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آن‌جا مردم می‌توانند دین را به درستی بشناسند و این همچنانی که همه می‌دانید، یکی از هدف‌های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ این را در خطبهٔ نهج البلاغهٔ شریف بیان کرده است: «**وَ یُثیرُوا لَهُم دَفائِنَ ٱلعُقُول**».

در روایات ما وارد شده است که وقتی ولی عصر (عج) ظهور می‌کند، زنی در

خانه می‌نشیند و قرآن را باز می‌کند و از متن قرآن، حقایق دین را استخراج می‌کند و می‌فهمد؛ یعنی چه؟ یعنی آن‌قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی، بالا می‌رود که همهٔ افراد انسان و همهٔ افراد جامعه و زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمی‌کنند و در خانه می‌نشینند؛ آنها هم می‌توانند فقیه باشند، دین شناس باشند. می‌توانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند و شما ببینید که در جامعه‌ای که همهٔ مردان و زنان در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند، این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه‌ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف رویّه، دیگر در آن جامعه معنایی ندارد.

خصوصیّت سوّمی که جامعهٔ امام زمان (عج)، جامعهٔ مهدوی دارا هست، این است که در آن روز، همهٔ نیروهای طبیعت و همهٔ نیروهای انسانی، استخراج می‌شود. چیزی در بطن زمین نمی‌ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطّل طبیعی، این همه زمین هایی که می‌تواند انسان را تغذیه کند؛ این همه قوای کشف نشده (مانند نیروهایی که قرن‌ها در تاریخ بود؛ مثلاً نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسیته، قرن‌ها بر عمر جهان می‌گذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود؛ امّا بشر آنها را نمی‌شناخت، بعد یک روزی به تدریج استخراج شد) همهٔ نیروهای بی شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست، در زمان امام زمان (عج) استخراج می‌شود.

جملهٔ دیگر و خصوصیّت دیگر این است که محور در دوران امام زمان (عج)، محور «فضیلت و اخلاق» است. هر کس دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدّم تر و جلوتر است. حالا اگر به آیات وروایات مراجعه بکنید ـ که البته محققین و متتبّعین مراجعه کرده‌اند ـ خصوصیات بیش‌تری را هم پیدا می‌کنید.

حالا همین چهار خصوصیت: «جامعه‌ای که در آن نشانی از ظلم و طغیان و عدوان و ستم نیست»؛ «جامعه‌ای که در آن اندیشهٔ دینی واندیشهٔ علمی انسان‌ها در سطح بالا است»، «جامعه‌ای که در آن همهٔ برکات و همهٔ نعم و همهٔ نیکی‌ها و زیبایی‌های عالم بروز می‌کند و در اختیار انسان قرار می‌گیرد» وبالاخره «جامعه‌ای که

در آن تقوا و فضیلت و گذشت و ایثار و برادری و مهربانی و یک رنگی اصل و محور است»، یک چنین جامعه‌ای را شما در نظر بگیرید. این همان جامعه‌ای است که مهدی موعود ما و امام زمان ما و محبوب تاریخی دیرین ما ـ که هم اکنون در زیر همین آسمان و بر روی همین زمین زندگی می‌کند و در میان انسان‌ها هست ـ به وجود خواهد آورد و تأمین خواهد کرد.[۷۹]

زیارت

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت ،آن عزیز ومحبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند؛ بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند؛ بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده‌اند؛ بسیاری از او نوازش دیده‌اند وبسیاری دیگر بدون این‌که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند. در همین جبهه جنگ تحمیلی، جوان‌هایی که در لحظه‌های حساس،احساس نورانیت و معنویت کرده‌اند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان، حسّ و لمس کردند و نشناختند و نفهمیدند؛ بسیارند. امروز هم همان جور است. بسیجیان، ارتباط خاصی با این نقطه اساسی عواطف دل‌های شیعیان و مسلمانان دارند. **پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ـ مهدی موعود عزیز ـ یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.**[۸۰]

ما همیشه ـ مخصوصاً در روزهای جمعه ـ توسّل و توجّه‌مان را به ولی‌عصر ـ صلوات الله علیه ـ فراموش نکنیم. امام زمان (عج) امانت وگوهر درخشندهٔ عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملت است.

این تجربهٔ تعیین کنندهٔ زمان ما، در طول زندگی پربرکت ولی عصر ـ صلوات الله علیه ـ تا امروز یک تجربهٔ بی نظیر بوده است. من در همین روزهای اخیر، احساسی در دلم بود که این احساس را به بعضی از دوستان هم گفتم وبه شما هم می‌گویم.

در روز پانزدهم دی (سال ۱۳۵۹)، من این احساس را در خود ناگهان وجدان کردم که صاحب این میدان، صاحب این بیابان‌ها، صاحب این صحنهٔ پر شور و عظیم (اشاره به جبهه‌های جنگ تحمیلی)، ولیّ عصر امام زمان (عج) است و بی گمان امام زمان (عج)، هم اکنون با جسم و حضور جسمی و بدنی‌اش، یا با توجه‌اش

در میان این جنگاوران و جنگجویان است.

امروز در این جمع عظیم پر معنویت و پر احساس، در میان جمع شما نمازگزاران (نماز جمعه تهران) ـ برادران و خواهران ـ از امام زمان (عج) از صاحب اصلی این ملت؛ از کسی که دل‌های این امت متوجّه او است؛ از کسی که رحمتش ولطفش و عنایتش شامل حال این ملّت و این انقلاب بوده است و خواهد بود؛ در حضور شما از این بندهٔ برگزیدهٔ خدا، می‌خواهم که توجّه و عنایتش را به این امتی که برای دین او و برای آرمان او، این همه تلاش و فداکاری می‌کند، منصرف و منعطف نکند و از خدای بزرگ می‌خواهم که این خواستهٔ ما و سلام ما و توجّه و احساس عمیق ما را به امام زمانمان ابلاغ کند.[۸۱]

ای سید و مولای ما!

ای امام زمان! ای مهدی موعود! [ای] محبوب این ملت! ای سلالهٔ پاک پیامبران و ای میراث برِ همهٔ انقلاب‌های توحیدی و جهانی!

این ملت ما با یاد تو و با نام تو، از آغاز خو گرفته است و لطف تو را در زندگی خود و در وجود خود آزموده است.

ای بندهٔ شایستهٔ صالح خدا! ما امروز محتاج دعایی هستیم که تو از آن دل پاک الهی و ربانی و از آن روح قدسی، برای پیروزی این ملت و پیروزی این انقلاب بکنی و به دست قدرتی که خدا در آستین تو قرار داده است، به این ملت وراه این امت کمک بفرمایی.

«عَزیزٌ عَلَینا اَن نَریٰ اَلخَلقَ وَ لا تُریٰ».

ای امام زمان! برای ما خیلی سخت است که در این جهان، در این طبیعت بی پایان ـ که متعلق به صالحان است ـ متعلق به بندگان خدا است، دشمنان خدا را ببینیم، آثار وجود دشمنان خدا را لمس بکنیم؛ اما تو را نبینیم و از نزدیک از فیض حضور تو بهره نگیریم![۸۲]

آخرین جمله را به امام و مقتدای خودمان ولی عصر (عج) عرض کنیم:

ای سید و مولای ما!

پیش خدای متعال گواهی بده ،که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستادیم.

بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پر افتخار ،پر فیض، پر بهجت، جان خودم را تقدیم کنم.[۸۳]

دعا

ان شاءالله همهٔ شما و همهٔ ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم؛ برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم؛ در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم وبه فیض شهادت برسیم (بزرگترین شرف و افتخار است). هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق بدهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسّل و متذکّر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار داشته باشیم. اگر شما از این طرف انس داشتید ، از آن طرف هم جلب توجّه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدوارم ان‌شاءالله همهٔ مشکلات، همهٔ موانع، همهٔ سختی‌ها و رنج‌ها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.[۸۴]

امیدواریم خدای متعال، ادعیهٔ زاکیه و توجهات حضرت ولی عصر (عج) را در حق ملت ایران، در حق شما عزیزان، همیشگی قرار بدهد. دعاهای آن بزرگوار را در حق همهٔ ما مستجاب کند. دیدار آن بزرگوار را نصیب این دل ها و چشم‌ها بفرماید. ما را جزو یاران و همراهان و دوستداران و شیعیان واقعی آن بزرگوار قرار بدهد. ما را در دنیا با آل محمد و در آخرت با آن بزرگواران محشور فرماید. ما را مسلمان ومؤمن واقعی زنده بدارد و بمیراند[۸۵].

پروردگارا! به محمد وآل محمد تو را سوگند می‌دهیم، دلهای ما را با یاد امام زمان همواره با طراوت بدار.

پروردگارا! چشم‌های ما را به جمال ولی عصر (عج) منوّر بگردان.

پروردگارا! این جنود الله، این انسان‌هایی راکه در راه تو مبارزه کرده‌اند، سربازان و جانبازان امام زمان (عج) قرار بده[۸۶].

خورشید من بر آی

دل را ز بیخودی سر از خود رمیدن است
جان را هوای زقفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان
بانگ جرس به شوق به منزل رسیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم
باری علاج شکر گریبان دریدن است

شامم سیه ترست زگیسوی سرکشت
خورشید من بر آی که وقت دمیدن است

سوی تو ای خلاصهٔ گلزار زندگی
مُرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است

بگرفته آب و رنگ زفیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است

با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
تقدیر غصهٔ دل من ناشنیدن است

آن را که لب به دام هوس گشت آشنا
روزی «امین»* سزا لب حسرت گزیدن است

محراب جمکران

دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی تو
سپند وار زکف داده‌ام عنان بی تو

ز تلخ کامی دوران نشد دلم فارغ
ز جام عشق لبی‌تر نکرد، جان بی تو

چو آسمان مه آلوده‌ام ز تنگ دلی
پُر است سینه‌ام از اندوه گران بی تو

نسیم صبح نمی‌آورد ترانهٔ شوق
سر بهار ندارند بلبلان بی تو

لب از حکایت شبهای تار می‌بندم
اگر امان دهدم چشم خون فشان بی تو

چو شمع کُشته ندارم شراره‌ای به زبان
نمی‌زند سخنم آتشی به جان بی تو

ز بی دلی و خموشی چو نقش تصویرم
نمی‌گشایدم از بی خودی زبان بی تو

عقیق سرد به زیر زبان تشنه نهم
چو یادم آید از آن شکّرین دهان بی تو

گزارش غم دل را مگر کنم چو «امین»
جدا ز خلق به محراب جمکران بی تو

---

*. تخلّص شعری مقام معظّم رهبری.

❁ خـتـامـه مسک ❁

فرمایشات مقام معظم رهبری

در جمع اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود«عج»

... مسألهٔ [بنیاد فرهنگی] امام زمان (عج) هم بسیار کار مثبتی است. بسیار کار خوبی است، این آقا که پیشنهاد کرده، پیشنهاد بسیار خوب و درستی بوده [است]. شما هم که دنبال کردید و عمل کردید، خوب است. آن کسانی هم که در این زمینه دارند کار می‌کنند، مورد تأیید هستند. واقعاً افراد فاضل و فهمیده‌ای هستند و در این کارها هم سابقه دارند و بسیار کار خوبی است. ان‌شاءا... که هر چه بیشتر ادامه بدهید و یکی از آن سرِ بندها در مفاهیم معرفتی ما، همین مسألهٔ امام زمان (عج) است. مسألهٔ «مهدویت» یکی از مسائل محوری و به اصطلاح سرِ بند است که از آن رشته‌هایی منشعب می‌شود و خیلی‌ها در فکر افتادند که این را از بین ببرند؛ این فکر را یا تضعیف کنند یا نابود کنند. نابود کردنش را مرحوم آقای فلسفی، ماجرای مفصلی را از رضا خان نقل می‌کرد که کسی را از معممین آن وقت خواست و گفت: تمامش کنید و او گفت: سخت است. بعد [رضاخان] گفت: حالا پس شما به عنوان مقدمه، فلان مسألهٔ دیگر را مطرح کنید اگر عکس العملی پیدا نکرد، بعد این را مطرح کنید.

پیداست که دستگاه‌های قدرت به این مسأله به شدت اهتمام دارند.

لذاست که هر چه این مسأله را پی‌گیری کنند و متین، معقول، صحیح پی بگیرند؛ خیلی خوب است، که البته کارهای خوبی هم الآن مشغول‌اند، کارهای بسیار جالبی، عمیقی دارند انجام می‌دهند. بعضی از دوستان ما یک دائرةالمعارفی در این زمینه دارند درست می‌کنند.

این‌جا هم باز سعی شود به کم قانع نشوید. گاهی ممکن است یک حرفی، یک

دلی را جذب کند؛ اما دو تا دل دیگر را ممکن است زده کند. اینها هر چه به میان آورده نشود، بهتر است. حالا گیرم یک نفری هم با این، یک اعتقادی پیدا کند، اگر دیدیم که پایه هایش محکم نیست، این حرف، چه به صورت معجزه [یا... اگرچه] دیدیم یک چند نفر را ممکن است [تحت تأثیر قرار دهد]، اینها را خارج کنیم؛ احتیاجی نداریم. حرف‌های منطقی محکم قوی فراوان داریم، حتی در مسائل مربوط به دیدار حضرت و ملاقات با حضرت، این‌قدر حرف‌های قویِ خوب هست؛ نقل‌های درست، متقن که هر وقت، هر کسی آن‌را می‌خواند، دلش قُرص است که این درست است. از این نقل‌های ضعیف و... هر چه که اجتناب شود، بهتر است. هم‌چنانی که از روایات ضعیف هر چه در این مسأله اجتناب شود، خیلی خوب است. روایات قوی داریم؛ روایات صحاح داریم، چیزهای خیلی محکم داریم، علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی.[۸۷]

•

پی‌نوشت‌ها:

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی ۷۸/۹/۴.
۲. روزنامهٔ رسالت ۷۴/۱۰/۱۶.
۳. سخنرانی جشن بزرگ منتظران ظهور ۷۸/۹/۳.
۴. خطبهٔ نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۵. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۶. خطبهٔ نماز جمعه ۵۹/۱۰/۱۹.
۷. رسالت ۷۶/۹/۲۶.
۸. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۹. رسالت ۷۴/۱۰/۱۶.
۱۰. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۱۱. رسالت ۷۶/۹/۲۶.
۱۲. سخنرانی جشن بزرگ منتظران ظهور ۷۸/۹/۳.
۱۳. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۱۴. جمهوری اسلامی ۷۷/۹/۱۵.
۱۵. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۱۶. خطبهٔ نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.
۱۷. سخنرانی ۷۶/۹/۲۵.
۱۸. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۱۹. جمهوری اسلامی ۷۷/۹/۱۵.
۲۰. سخنرانی قم ۷۷/۱۱/۳۰.
۲۱. جشن بزرگ منتظران ظهور ۷۸/۹/۳.
۲۲. سخنرانی اصفهان ۸۰/۸/۸.
۲۳. سخنرانی نجف آباد ۸۰/۸/۱۰.
۲۴. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۲۵. سخنرانی روز میلاد ۷۴/۱۰/۱۷.
۲۶. جشن بزرگ منتظران ظهور ۷۸/۹/۳.
۲۷. همان.
۲۸. کیهان ۷۵/۱۰/۸.
۲۹. جمهوری اسلامی ۷۷/۹/۱۵.
۳۰. رسالت ۶۸/۱۲/۲۳.
۳۱. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۳۲. خطبهٔ نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۳۳. خطبهٔ نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.
۳۴. کیهان ۷۵/۱۰/۸.
۳۵. همان.
۳۶. کیهان هوایی ۷۵/۱۰/۱۲.
۳۷. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۳۸. جهان اسلام ۷۲/۱۱/۹.
۳۹. کیهان ۶۹/۱۲/۱۲.
۴۰. جمهوری اسلامی ۷۷/۹/۱۵.
۴۱. جمهوری اسلامی ۷۹/۸/۲۳.
۴۲. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۴۳. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۴۴. جهان اسلام ۷۲/۱۱/۹.
۴۵. رسالت ۷۶/۹/۲۶.
۴۶. ویژه نامه صبح وصال نیمه شعبان ۱۴۱۸.
۴۷. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۴۸. جهان اسلام ۷۲/۱۱/۹.
۴۹. کیهان ۷۵/۱۰/۸.
۵۰. همان.
۵۱. جمهوری اسلامی ۷۷/۹/۱۵.
۵۲. خطبهٔ نماز جمعه ۵۹/۴/۶.

۵۳. خطبهٔ نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.
۵۴. جمهوری اسلامی ۷۸/۹/۴.
۵۵. همان.
۵۶. کیهان ۷۵/۱۰/۸.
۵۷. رسالت ۶۵/۲/۷.
۵۸. پیام به مناسبت هفتهٔ بسیج ۶۲/۹/۴.
۵۹. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۶۰. سخنرانی ۷۶/۹/۲۵.
۶۱. جمهوری اسلامی ۷۹/۸/۲۳.
۶۲. خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۶۳. همان.
۶۴. رسالت ۷۶/۹/۲۶.
۶۵. سخنرانی قم ۷۰/۱۱/۳۰.
۶۶. جمهوری اسلامی ۷۹/۸/۲۳.
۶۷. خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۶۸. خطبه نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.
۶۹. خطبهٔ نماز جمعه ۵۹/۱۰/۱۹.
۷۰. رسالت ۷۴/۱۰/۱۶.
۷۱. کیهان ۶۹/۱۲/۱۲.
۷۲. جمهوری اسلامی ۷۴/۱۰/۱۹.
۷۳. سخنرانی قم، ۳۰ / ۱۱ / ۷۰.
۷۴. خطبه نماز جمعه ۷۹/۱/۲۶.
۷۵. کیهان ۷۳/۱۰/۲۸.
۷۶. کیهان ۷۵/۱۰/۸.
۷۷. نیمه شعبان مشهد ۶۲/۳/۷.
۷۸. خطبه نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.
۷۹. خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۸۰. جمهوری اسلامی ۷۸/۹/۴.
۸۱. خطبه نماز جمعه ۵۹/۱۰/۱۹.
۸۲. خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۸۳. سخنرانی در مورد وقایع کوی دانشگاه تهران ۷۸/۴/۲۰.
۸۴. سخنزانی ۷۶/۹/۲۵.
۸۵. جمهوری اسلامی ۷۹/۸/۲۳.
۸۶. خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۶.
۸۷. پنج شنبه ۶ / ۱۰ / ۸۰.